



فلسفه حجاب در قرآن کریم و ابعاد آن

منصور عسکری*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۴

چکیده

اسلام زن را نیمی از پیکر اجتماع دانسته و نقش او را در رشد و تعالی انسان و جامعه انسانی مهم تلقی کرده‌اند. در متون دینی و منابع اسلامی نیز به نصوصی برخورد می‌کنیم که نشانگر جایگاه والای زن در اجتماع است. از سویی دیگر، حجاب و پوشش از منظر معارف اسلامی، یک ارزش محسوب می‌شود. از این رو، مقوله حجاب در امور و ابعاد مختلف ارزشی، امنیتی، خانوادگی، اجتماعی و... دخالت دارد. شناخت فلسفه حجاب در این حیطه‌ها، می‌تواند تبیین‌کننده نقش آن در جامعه باشد. همچنین، آثار متعددی بر حجاب از جهات دنیوی و اخروی بر حجاب و بی‌حجابی مترتب است. این پژوهش که با هدف روشن شدن این آثار و تبیین فلسفه حجاب، با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است، به آثار متعدد دنیوی و اخروی از این موضوع دست یافته است.

کلیدواژگان: حجاب، فلسفه حجاب، نقش حجاب، جامعه، ارزش.

مقدمه

حجاب از نظر لغوی یعنی پرده، پوشش، ساتر و پوشیده شده، است. «وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ» یعنی حائل - مانع، حجاب میان دو چیز - و از نظر اصطلاحی آن پوشش حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن، صورت گیرد. حجب و حجاب هر دو مصدر به معنای پنهان کردن وضع از دخول است.

«فصلت آیه ۵: كَلَّا إِنَّهُمْ عَلَىٰ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ»

«حقاً که آن‌ها، آن روز از پروردگارشان در پرده‌اند و یا از رحمت خدا ممنوع‌اند». «وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِيٰ أَكِنَّةٍ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِيٰ آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَاعْمَلْ إِنَّا نَعْمَلُونَ».

«آن‌ها گفتند: قلب‌های ما نسبت به آنچه ما را به آن دعوت می‌کنی در پوشش‌هایی قرار گرفته و در گوش‌های ما سنگینی است، و میان ما و تو حجابی وجود دارد؛ پس تو به دنبال عمل خود باش، ما هم برای خود عمل می‌کنیم!».

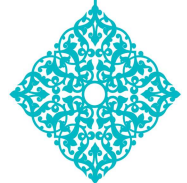
«سوره احزاب، آیه ۵۳؛ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ»

«چون از زنان پیغمبر اکرم (ص) متاعی خواستید از پشت پرده بخواهید».

این همان آیه درباره‌ی زنان آن حضرت است. و با تنقیح مناط شامل زنان دیگر هم می‌شود و این غیر از پوشیده بودن زن از نامحرم است که در سوره نور آمده است، بعضی‌ها از این آیه چنین فکر کرده‌اند که زن مطلقاً باید در پس پرده و حجاب باشد. «وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا، سوره اسراء، آیه ۴۵.

چون مستوراً صفت حجاب است. لذا این حجاب غیر مرئی است. و مومن و غیرمومن مثل عالم و غیرعالم با آن که در کنار هم‌اند ولی از هم بیگانه‌اند و بهترین پوشش اسلامی و حجاب چادر است که سراسر حجم بدن زن را می‌پوشاند و جلب توجه نامحرم را به کمترین حد می‌رساند.

بدون تردید به لحاظ نقش مهم و حساسی که حجاب در سلامت روانی زنان دارد این مسأله مورد توجه قرآن و اسلام قرار گرفته است زیرا در این اسلام به بهداشت و سلامت





روانی افراد اهمیت بسیاری داده شده و حتی نتیجه نهایی بندگی خدا رسیدن به نفس مطمئن و آرامش روحی و روانی می‌داند. اهمیت و ضرورت این موضوع تا آن جایی است که می‌توان آن را از جنبه‌های مختلفی مورد بررسی قرار داد.

اسلام برای انسان از آن جهت که انسان است خواه مرد یا زن اهمیت خاصی قائل است و معتقد است که ارجمندی و کرامت هر انسانی بسته به کمالات معنوی، خردمندی، پرهیزگاری و انجام کارهای خیر اوست. هر عملی کرامت انسانی را خدشه‌دار می‌نماید و به مرتبه‌ی حیوانیت تنزل می‌دهد. این عمل ناپسند بوده و برای انجام هر یک کیفر متناسب مقرر گردیده است.

حجاب بنده محکمی بر پای پلید شهوت است - حیا، عفت، ستر و پوشش تدبیری است که خود زن با یک نوع ابهام برای گران‌بها کردن خود و حفظ موقعیت خود در برابر مرد به کار برده است. و شکی نیست هر چیزی که موجب تحکیم پیوند خانواده و سبب صمیمیت فرد، جامعه و زوجین گردد برای کانون خانواده مفید است.

گوهر حجاب باعث می‌شود زن ارزش واقعی خود را به دست آورد. رواج دادن حجاب باعث می‌شود مردان بیشتر به طرف زنان خود متمایل شده و خانواده متلاشی نشود. حجاب در اسلام از یک مسأله کلی‌تر و اساسی‌تر رشد می‌گیرد و آن این است که اسلام می‌خواهد انواع التذاذهای جنسی در محیط خانوادگی و از مجرای ازدواج قانونی صورت گرفته و اجتماع صرفاً برای کار و فعالیت باشد.

میزان پاسخ‌گویی موضوع به نیازهای فرد و جامعه تا حدی است که حجاب از پیشرفته‌ترین آموزه‌های رهایی بخش اسلام و نشان دهنده‌ی توجه اسلام و قرآن هم به حقوق عمومی زنان به عنوان نیمی از پیکره‌ی جامعه و هم به حقوق عمومی خانواده به عنوان واحد اجتماعی توجه شده که پایه‌های سعادت مادی و معنوی آنان در گرو نوع روابط اجتماعی امروز است.

قدر مسلم این است که قبل از اسلام در میان بعضی ملل حجاب وجود داشته است تا آن جا که مطالعه داشته‌ام در برخی کتب آمده است غیر از اسلام در میان مکاتب و عقاید قبل از اسلام مانند زرتشتی، یهودیت و انسان‌های اولیه (قبایل اولیه) رعایت حجاب

می‌کردند. محققین در این باره در زمینه‌های فلسفی، اجتماعی، اقتصادی، اخلاق و روانی، بررسی‌های زیادی انجام داده و به این نتیجه رسیده‌اند که مخالفان حجاب، سعی داشته‌اند که جریانات ظالمانه‌ای را به عنوان پیدا شدن حجاب ذکر کنند. اما بررسی‌های مختلف محققین میان حجاب اسلامی و غیر اسلامی فرقی به وجود بیاورند و ثابت کرده‌اند که اسلام در فلسفه‌ی اجتماعی خود به هیچ کس از این جهات نظر نداشته است و هیچ کدام با مبانی اسلامی وفقی ندارد. پژوهش حاضر، با نظر داشتن به این نکات، به فلسفه حجاب و آثار مختلف دنیوی و اخروی آن می‌پردازد.

گفتار اول: ابعاد فلسفه حجاب

حجاب حفظ ارزش‌ها

باید توجه داشته داشت حجابی که اسلام قرار داده است، برای حفظ ارزش‌هاست. هر چه را که خداوند دستور فرموده است چه برای زن و چه برای مرد - برای این است که آن ارزش‌های واقعی که این‌ها دارند و ممکن است به واسطه‌ی وسوسه‌های شیطنانی یا دست‌های فاسد استعمار و عمال استعمار پایمال می‌شدند این ارزش‌ها زنده بشود. (موسسه فرهنگی قدر ولایت، حکایت کشف حجاب، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۱۴۲).

حجاب و امنیت

مسئله‌ی فاسد زن نیز امنیت نخواهد داشت و افزایش سرسام‌آور جرم و جنایت زنان در جوامع فاسد مؤید این مطلب است. از جمله، براساس اظهارات خانم «فیلیس شارفلی» از مبارزین کسب حقوق زن و مرد در آمریکا در سال‌های ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ حدود ۱۸ میلیون زن کارمند در این کشور به هنگام کار مورد اذیت و آزارهای جنسی قرار گرفته‌اند. (شجاعی، دُر و صدف، ۱۳۷۶: ص ۱۷۲).





حجاب عامل استحکام خانواده‌ها

یکی از عوامل مهم استحکام خانواده، رعایت حجاب است. اگر حجاب در جامعه‌ای کاملاً رعایت شود و روابط جنسی به محیط خانواده محدود گردد، گروه جوانان به ازدواج نمایل بیشتری پیدا می‌کنند و خانواده‌های تشکیل شده نیز ثبات بیشتری خواهند داشت. در نتیجه در این میان بیشترین نفع عاید زنان خواهد شد. زیرا از محبت و حمایت مالی مردان برخوردار خواهند بود. در حالی که اگر خودنمایی و آرایش و تحریک در یک اجتماع بشری رواج پیدا کند و روابط جنسی در غیر محیط خانواده میسر گردد، هیچ وقت جوانان مشکلات ازدواج را نخواهند پذیرفت و به آن تن نخواهند داد. بلکه خانواده‌های تشکیل شده نیز دائماً در حال تزلزل می‌گردند.

زیرا مردان با دیدن زنان بی‌حجاب تحریک شده و آسیب پذیر می‌شوند و در نتیجه کانون گرم خانوادگی به سردی می‌گراید و محبت در خانواده جای خود را به تنفر خواهد داد؛ چون همسر قانونی رقیب و مانع روابط جنسی به حساب می‌آید. بی تردید نهاد خانواده تنها با پاسداری از حجاب اسلامی درخشش و بالندگی لازم را پیدا خواهد کرد. بله، وقتی لامپ نور افشانی می‌کند که سیم‌های متصل به آن سالم باشند و اگر این سیم‌ها لخت و یا زدگی داشته باشند، نه تنها نیروی برق را به خوبی منتقل نمی‌کنند بلکه با جریان آب یا با اتصال به یکدیگر موجب حریق و آتش سوزی می‌گردند. زن و مرد همانند جریان مثبت و منفی دست به دست هم داده و چراغ خانواده را روشن کرده‌اند می‌بایست حجاب اسلامی را رکن اساسی این پیوند قرار دهند و اِلا این چراغ به خاموشی می‌گراید و آتش هوس آن را خواهد سوزاند (شجاعی، دُر و صدف، ۱۳۷۶: ص ۲۴).

حجاب و نقش آن در سلامت اجتماع و آرامش روانی

حضور زنان و مردان در جامعه به صورتی که هیچ گونه تحریک و شایبه‌ی جنسی با آن همراه نباشد، آن جامعه را استوار و مستحکم می‌کند و عفت‌ورزی آنان در محیط تحصیل، کار و اداره و بازار و ... زمینه‌ساز سلامت، پیشرفت و تعالی آن جامعه خواهد شد.

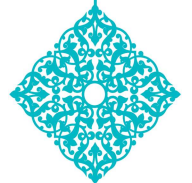
لکن، اگر این اصل (عفاف) مورد توجه قرار نگیرد، حریم‌ها حفظ نشود و فساد در جوامع رواج یابد ، عامل تباهی و سقوط آن جامعه نیز فراهم می‌شود. به گفته‌ی منتسکیو «در حرکت دموکراسی از دست رفتن عفت»، بزرگترین بدبختی‌ها و مفسد را باعث می‌شود تا جایی که اساس حکومت را از بین می‌برد. تاریخ بشری چه در جوامع اسلامی و چه در جوامع غیراسلامی این مطلب را به وضوح ثابت کرده است سویزی، گسست زیان آور در مسائل زنان: از حقیقت تا واقعیت / سرمقاله، ۱۳۸۴: ص ۱۴۱، به نقل از: منتسکیو روح القوانین، ص ۱۰۷) مارشال پتن سردار نظامی فرانسه در سخنرانی خویش اعتراف کرده است که: «بزرگ‌ترین علت شکست فرانسه در جنگ با آلمان فرو رفتن در گرداب‌های شهوت و ابتلا به تن پروری و عیاشی بوده است.(همان: ص ۱۴۱، به نقل از چرا فرانسه شکست خورد، آندره موروا).

همچنین دکتر گوستاولوبون دانشمند معروف فرانسوی درباره‌ی شکست مسلمانان در اندلس می‌نویسد: «مسلمانان حدود ۸۰۰ سال در اسپانیا قدرت را در دست داشتند و اسپانیا در این مدت مهد علم و تمدن گردیده بود تا آن که دشمنان با انتشار فساد و رواج مشروبات الکلی و بی‌بند و باری و بالأخره در اثر اختلاف بین زمامداران حکومت بر مسلمانان چیره شدند و مسلمانان را به زور وادار به قبول دین مسیح کردند و سپس محکمه‌های تفتیش عقاید، دستور سوزاندن این تازه مسیحیان را به بهانه این که واقعاً به دین مسیح درنیامده‌اند، صادر کرد و بقیه را وادار به مهاجرت از آن سرزمین نمود». (همان: ص ۱۴۲، به نقل از تمدن اسلام و غرب، ص ۳۳۵-۳۳۳).

قرآن کریم سرگذشت امت‌های بسیاری را که به فساد دست زده و سرانجام هلاک و نابود کشته‌اند نقل می‌کند.

در سوره‌ی عنکبوت هلاکت قوم لوط، قوم عاد، قوم ثمود، فرعون، سامان و قارون را بیان نموده، می‌فرماید:

«فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنْبِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَنْ أَعْرَقْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ





يُظَلِّمُونَ (عنكبوت، ۴۰)؛ ما هر یک از آنان را به گناهانشان گرفتیم، بر بعضی از آنها طوفانی از سنگریزه فرستادیم، و بعضی از آنان را صیحه آسمانی فروگرفت، و بعضی دیگر را در زمین فرو بردیم، و بعضی را غرق کردیم؛ خداوند هرگز به آنها ستم نکرد، ولی آنها خودشان بر خود ستم می‌کردند».

این است نتیجه‌ی جوامعی که منحرف گشته و در گرداب فساد غوطه‌ور شدند. عفاف با دارنده‌ی بسیاری از التهابات و هیجان‌ات روحی است. نبودن حریم میان زن و مرد، ترویج معاشرت‌های بی‌بندبار و دیدن صحنه‌های تحریک آمیز، مستهجن، رکیک، هیجان‌ها و التهابات جنسی را فزونی می‌بخشد و جاذبه‌ی جنسی و تقاضای این غریزه در تمامی موارد و به صورت دلخواه ممکن نیست و همیشه مقرون به نوعی احساس محرومیت است باعث برهم خوردن تعادل روحی و اختلالات روانی فرد می‌شود.

اسلام با تعدیل و رام کردن این التهابات از طریق محدود کردن نگاه، خضوع در کلام، پوشش و بالأخره رعایت عفاف در همه‌ی زمینه‌ها برای فرد، آرامش روحی و روانی به ارمغان می‌آورد. حجاب و کرامت زن و خارج نمودن زن از یک وسیله و ابزاری به یک وسیله ارزشمند انسانی مطرح گردد. (ر.ک: سویزی، گسست زیان آور در مسائل زنان: از حقیقت تا واقعیت / سرمقاله، ۱۳۸۴: ص ۱۴۱).

حجاب و نقش آن در استواری اجتماع

کشانیدن تمتعات جنسی از محیط خانه به اجتماع نیروی کار و فعالیت اجتماع را ضعیف می‌کند.

برعکس آنچه که مخالفین حجاب خرده گیری کرده و گفته‌اند: «حجاب موجب فلج کردن نیروی نیمی از افراد اجتماع است» (مطهری، مساله حجاب، ۱۳۷۴: ص ۷۷).

بی‌حجابی و ترویج روابط آزاد جنسی موجب فلج کردن تمام نیروی اجتماع است. آنچه موجب فلج کردن نیروی زن و حبس استعدادهای او است، حجاب به صورت زندانی کردن زن و محروم ساختن او از فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی است و در اسلام چنین چیزی وجود ندارد، اسلام نه می‌گوید که زن از خانه بیرون نرود؛ و نه می‌گوید حتی تحصیل علم و دانش ندارد.

بلکه علم و دانش را فریضه‌ی مشترک زن و مرد دانسته است، و نه فعالیت اقتصادی خاصی را برای زن تحریم می‌کند.

اسلام هرگز نمی‌خواهد زن بیکار و بی‌عار بنشیند و وجودی عاطل و باطل بار آید. پوشانیدن بدن به استثنا وجه و کفین مانع هیچ گونه فعالیت فرهنگی یا اجتماعی یا اقتصادی نیست.

آنچه موجب فلج کردن نیروی اجتماع است، آلوده کردن محیط کار به لذت جویی‌های شهوانی است. (همان: صص ۷۷-۷۸).

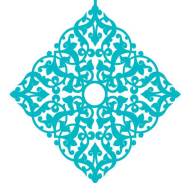
اگر پسر و دختری در محیط جداگانه‌ای تحصیل کنند و به فرض در یک محیط درس می‌خوانند، دختران بدن خود را بپوشانند و هیچ گونه آرایشی نداشته باشند، بهتر درس می‌خوانند و فکر می‌کنند و به سخن استاد گوش می‌کنند یا وقتی که کنار هر پسری یک دختر آرایش کرده با دامن کوتاه یا یک وجب بالای زانو نشسته باشد!

اگر مردی در خیابان و بازار و اداره و کارخانه و غیره با قیافه‌های محرک و مهیج زنان آرایش کرده دائماً مواجه باشد، بهتر سرگرم کار و فعالیت می‌شود یا در محیطی که با چنین مناظری روبرو نشود!

اگر باور ندارید، از کسانی که در این محیط‌ها کار می‌کنند بپرسید. هر مؤسسه یا شرکت یا اداره‌ای که سخت مایل است کارها به خوبی جریان یابد، از این نوع آمیزش‌ها جلوگیری می‌کند.

حقیقت این است که این وضع بی‌حجابی رسوا که در میان ما است و از اروپا و آمریکا هم داریم جلو می‌افتیم، از مختصات جامعه‌های پلید سرمایه‌داری غربی است و یکی از نتایج سوء پول پرستی‌ها و شهوت‌رانی‌های سرمایه‌داران غرب است. بلکه یکی از طرق و وسایلی است که آنها برای بی‌حس کردن اجتماعات انسانی و در آوردن آنها به صورت مصرف‌کننده‌ی اجباری کالاهای خودشان به کار می‌برند.

اطلاعات ۴۷/۹/۵ گزارش از اداره کل نظارت بر مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی نقل کرده است.





درباره‌ی لوازم آرایش چنین می‌نویسد: «تنها در ظرف یک سال ۲۱۰ هزار کیلو مواد و لوازم آرایش از قبیل ماتیک، سُرخاب، کرم، پودر، سایه‌ی چشم برای مصرف خانم‌ها وارد شده است. از این مقدار ۱۸۱ صدوهشتاد و یک هزار کیلو گرم آن انواع کرم بوده است. در این مدت به ۱۶۵۰ قوطی و ۲۵۰۰ پودر صورت و ۴۶۰۴ عدد روژ لب، ۲۲۸۰ عدد صابون لاغری ۲۲۸۰ آمپول آرایشی اجارزه‌ی ورود داده شده است.

البته باید ۳۱۰۰ عدد سایه‌ی چشم و ۲۴۰۰ خط چشم را نیز به آن اضافه کرد» (همان: صص ۷۸-۷۹).

اگر زن ایرانی بخواهد خود را فقط برای همسر قانونی و یا برای حضور در مجالس اختصاصی زنان بیاراید، نه مصرف‌کننده خوبی برای سرمایه‌داران غربی خواهد بود و نه وظیفه و مأموریت دیگرش را که عبارت است از انحطاط اخلاق جوانان و ضعف اراده آنان و ایجاد رکود در فعالیت اجتماعی، به نفع استعمار غرب انجام خواهد داد.

در جامعه‌های غیر سرمایه‌داری با همه‌ی احساسات ضد مذهبی که در آن جا وجود دارد، کمتر شنیده می‌شود که چنین رسوایی‌ها به نام آزادی زن وجود داشته است (همان: ص ۷۹).

گفتار دوم: فلسفه حجاب در قرآن

حجاب حق الهی

از نظر اسلام در همه‌ی ابعاد وجودی انسان برای سیر به مدارج کمال بین زن و مرد تفاوتی نیست؛ منتهی باید اندیشه‌ها قرآن گونه باشد؛ یعنی همان گونه که قرآن بین کمال و حجاب و اندیشه و عفاف جمع نمود، ما نیز در نظام اسلامی بین کتاب و حجاب جمع کنیم یعنی عظمت زن در این است که:

«إِنَّ لَأَيُّرِينَ الرَّجَالَ وَ لَأَيُّرَاهِنَ الرَّجَالَ؛

یعنی: نبیند مردان نامحرم را و مردان نیز آنان را نبینند» (مجلسی، بحارالانوار، بی‌تا، ج ۱۰۳، ص ۲۳۸؛ احزاب، ۵۹).

قرآن کریم وقتی درباره‌ی حجاب سخن می‌گوید، می‌فرماید: «حجاب عبارت است از احترام گذاردن و حرمت قایل شدن برای زن که نامحرمان او را از دید حیوانی ننگرند؛

لذا، نظر کردن به زنان غیر مسلمان را، بدون قصد تباهی جایز می‌داند و علت آن این است که زنان غیرمسلمان از این حرمت بی‌بهره‌اند. حال اگر کسی از تشخیص اصول ارزشی عاجز باشد، ممکن است معاذالله حجاب را یک بند بدانند.

و حال این که قرآن کریم وقتی مسأله لزوم حجاب را بازگو می‌کند علت و فلسفه‌ی ضرورت حجاب را چنین بیان می‌فرماید:

«ذَلِكَ اَدْنٰى اَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِنَنَّ» یعنی: برای این که شناخته نشوند و مورد اذیت واقع نگردند». (همان: ص ۲۳۸)؛ چرا که آنان تجسم حرمت و عفاف جامعه هستند و حرمت دارند.

فلسفه پوشش در اسلام

وظیفه‌ی پوشش که اسلام برای زنان مقرر کرده است، به این معنی نیست که آن‌ها از خانه بیرون نروند.

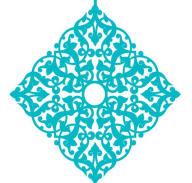
در اسلام، اصلاً زندانی و حبس کردن زن مطرح نیست. در برخی از کشورهای قدیم مثل ایران باستان و هند چنین چیزهایی وجود داشته است؛ ولی در اسلام وجود ندارد.

پوشش در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان، بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. آیه‌های مربوطه همین معنی را ذکر می‌کند و فتوای فقها هم مؤید همین مطلب است (مطهری، مجموعه آثار مطهری، ۱۳۸۱: ص ۴۲۹-۴۴۱).

از نظر اسلام، حجاب از جنبه‌ی روانی به «بهداشت روانی اجتماع» کمک می‌کند؛ از جنبه‌ی خانوادگی سبب تحکیم روابط افراد خانواده و برقراری صمیمیت کامل بین زوج‌ها می‌شود.

از جنبه‌ی اجتماعی، موجب حفظ نیروی کار و فعالیت اجتماعی می‌شود؛ از نظر وضع زن در برابر مرد، سبب می‌شود که ارزش زن در برابر مرد بالاتر رود.

به عبارت دیگر، فلسفه‌ی پوشش اسلامی چند چیز است: بعضی از آن‌ها جنبه‌ی روانی دارد: بعضی جنبه‌ی خانه و خانوادگی، بعضی دیگر جنبه‌ی اجتماعی، بعضی هم مربوط به بالا بردن احترام زن و جلوگیری از ابتذال او می‌شود (مکارم شیرازی، یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ برگرفته از تفسیر نمونه، ۱۳۸۶: ص ۴۶۶).



چادر حجاب برتر

خدای تعالی در قرآن فرموده است:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأزْوَاجِكِ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا».

«ای پیامبر! به زنان و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: جلبابهای خود را به هم نزدیک سازند که با این پوشش بهتر شناخته شوند تا از تعرض (هوس رانان) آزار نبینند و خداوند بخشنده و مهربان است.»

این آیه یکی دیگر از آیات حجاب است که پس از آیه‌ی شریفه‌ی سوره‌ی نور نازل شده است.

آن چه باید در این آیه مورد بحث و بررسی قرار گیرد، معنای جلباب است. در این آیه‌ی خدای تعالی از همه زنان خواسته است تا با پوشش به نام «جلباب» که مفرد «جلباب» است خود را بپوشانند.

مفسران و اهل لغت معنای مختلف را برای جلباب ذکر کرده‌اند:

ابن عباس گوید: «الرِّدَاءُ الَّذِي يَسْتَرُ مِنْ فَوْقِ إِلَىٰ أَسْفَلِ» (احزاب، ۵۹)؛ یعنی «جلباب ردایی است که سراسر بدن از بالا تا پایین را می‌پوشاند».

مراد از «رداء» پوششی است که نظیر عبا، بر روی لباس دیگر می‌پوشند و مصداق آن در زمان ما عبا و چادر زنان عرب و ایرانی است. تعبیر به هم نزدیک کردن رداء، در آیه شریفه با چادر و عبا سازگارتر است زیرا شکل آن به گونه‌ای است که باید اطراف آن به هم نزدیک و روی هم قرار گیرند تا بدن را پوشش دهد (اکبری، تحلیلی نو و عملی از حجاب در عصر حاضر، ۱۳۷۷: صص ۴۴-۴۶، به نقل از زمخشری، تفسیر کشاف، ج ۳، ص ۵۵۹).

در تفسیر قرطبی آمده است: «تَوْبٌ أَكْبَرُ مِنَ الْخَمَارِ وَمِنْ ابْنِ مَسْعُودٍ وَابْنِ عَبَّاسٍ: «إِنَّ الرِّدَاءَ» وَ قِيلَ «الْقِنَاعُ» وَالصَّحِيحُ: «إِنَّهُ التَّوْبُ الَّذِي يَسْتَرُ جَمِيعَ الْبَدَنِ».



«جلباب لباسی است که از روسری بزرگ‌تر است و ابن عباس و ابن مسعود آن را به معنی رداء گرفته‌اند و گفته شده است «مقنعه است» و نظر صحیح آن است که جلباب لباسی است که همه‌ی بدن را می‌پوشاند. (عبا و چادر).

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در ذیل آیه‌ی شریفه‌ی آورده است: «الجلابیب جمع جلباب و هر ثوبٌ تشتق به المرأه فیفطی جمیع بدنها أوالخیمار الذی تغطی به رأسها و وجهها» (همان: ص ۴۶، به نقل از: زمخشری، تفسیر کشاف، ج ۳، ص ۵۵۹) «جلباب جمع جلباب است و آن لباسی است که زن آن را در برمی‌کند و همه بدن خود را می‌پوشاند. یا مقنعه‌ای است که سر و صورت خود را به آن می‌پوشاند».

از آنچه بیان شد، معلوم گردید «جلباب» دارای معانی مختلفی از جمله، چادر، مقنعه، لباس بزرگ‌تر از روسری و کمتر از چادر است. حال اگر خانمی بخواهد مطمئن شود که به آنچه خداوند فرموده است، عمل کرده است به قول ابن عباس و ابن مسعود و صحابی بزرگ رسول خدا (ص) عمل کند که جلباب را به لباس تفسیر کرده‌اند که همه بدن را می‌پوشاند و این همان حجاب برتر است که مصداق «جلباب» که پوشیدن آن را خداوند واجب فرموده است، نخواهد بود. روسری بلندی که به شکل چارقد سر می‌کنند و تا نیمی از اطراف بدن را می‌پوشاند، می‌تواند در تحقق این پوشش دینی کافی باشد. (اکبری، تحلیلی نو و عملی از حجاب در عصر حاضر، ۱۳۷۷: ص ۴۷).

آنچه مسلم است خداوند پوشش را به نام جلباب واجب فرموده است و بنابر کلمات مفسرین قرآن و اهل لغت این پوشش از مقنعه بزرگ‌تر و لااقل به اندازه‌ی همان چیزی است که فقهای اسلام بر آن اتفاق نظر دارند که زن باید سر و گردن و برآمدگی‌های آن را بپوشاند و البته چادر که مصداق کامل جلباب است را بهترین پوشش زن مسلمان برای انجام این وظیفه دانسته‌اند. خدای تعالی در پایان آیه به فلسفه چنین پوششی اشاره فرموده است که این پوشش سبب می‌گردد اراذل و اوباش جامعه زنانی را که دارای این پوشش هستند، به عفت و پاکی بشناسند.

در عصر حاضر و هر زمان دیگر هم این گونه بوده است که هوسرانان جامعه حساب زنان متین و پوشیده را از زنان بیماری که با جلوه‌گری و آشکار کردن زینت‌ها و آرایش





خود در جامعه وارد می‌شوند، جدا می‌کنند که اگر زنی اهل هوسرانی و شنیدن بیهوده‌گویی جنسی نیست و به دنبال فساد حرکت نمی‌کند، به این وضع در برابر نامحرم حاضر نمی‌شود.

مردان و جوانان فاسد جامعه هرگز زنی را که از نامحرم رو می‌گیرد، با آن‌هایی که موهای سرخود را در معرض نگاه آلوده آنان قرار می‌دهند، برابر نمی‌دانند.

از این رو به دنبال زنان و دخترانی حرکت می‌کنند که با نگاه کردن، خندیدنی یا راه رفتن یا حرف زدن، لباس پوشیدن یا آرایش کردن، مردان نامحرم را به سوی خود دعوت می‌کنند (همان: ص ۴۷-۴۸).

نکته عرفانی: «ای به برترین حجاب آراسته! این به کمال پوشش راه یافته که با کاس برگ حجابت چون غنچه‌های نو شکفته رو گرفته‌ای! چادر تو لبیک خالصانه به پیام حضرت معبود است که جز در پرتو عشقش به انتخاب آگاهانه‌ی آن نتوان رسید. (همان: ص ۴۸)

نتیجه گیری

بسیار روشن و طبیعی است که گوهرهای ارزشمند را دور از دید و دسترس اهریمنان حفظ می‌کنند، این چیزی است که در همه جا به فراوانی موجود است و از بی‌ارزشی کسی بدان چشم ندارد.

در گذشته‌ها، با زور سرنیزه می‌خواستند گوهرهای گرانبها را از صدف درآورند، چادرها را از سر بانوان برداشتند، زنان مؤمن با آن‌ها مقابله می‌کردند و هیچ‌گاه تسلیم نشدند و مردم را در مسجد گوه‌رشاد به رگبار مسلسل بستند، مجروحان را با کامیون در دل شب به خارج شهر بردند و زنده به گور کردند، *أَمَّا تَوْفِيقَ نِيَاقَتِنْدَ، چُون: «يَدِ اللّٰهِ فَوْقَ اَيْدِيهِمْ»*

و حال قلم به مزدها تهاجم فرهنگی سنگینی را آغاز کرده‌اند، به این امید که سدّ عفاف و تقوی را بشکنند و هر روز به شکلی خاص، ندایی را ساز می‌کنند. این پژوهش کوشید تا به فلسفه حجاب و برخی از کارکردهای آن بپردازد تا پاسخی بر شبهات مطرح شده باشد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. اکبری، علیرضا، تحلیلی نو و عملی از حجاب در عصر حاضر، بی جا، پیام عترت، ۱۳۷۷.
۲. شجاعی، محمد، دُر و صدف، قم، نشر محیی، زمستان ۱۳۷۶.
۳. مجلسی، علامه محمد باقر، بحارالأنوار، ج ۱، بیروت - لبنان، دارالاحیاء التراث العربی، بی تا.
۴. مطهری، شهید مرتضی، مجموعه آثار شهید مرتضی مطهری، بی جا، بی نا، ۱۳۸۱.
۵. مکارم شیرازی، ناصر، یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ برگرفته از تفسیر نمونه، قم، دفتر نشر برگزیده، ۱۳۷۸.
۶. موسسه فرهنگی قدر ولایت، حکایت کشف حجاب، ج ۱، بی جا، موسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۷۸.
۷. سویزی، مهریه، «گسست زیان آور در مسائل زنان: از حقیقت تا واقعیت / سرمقاله»، کتاب زنان، ش ۲۷، ۱۳۸۴.

